

مفکر ۱۰۴

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۳۹۰ آبان ۲۷
۱۸ نوامبر ۲۰۱۱

خالد حاج محمدی
سندیکای هفت تپه بعد از سه سال

سه سال از تشکیل سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه گذشت، سه سالی که کارگران هفت تپه جدالی روزانه را برای تحمیل تشکل خود و تامین بخشی از مطالبات خود پیش بردند. تاریخ سه سال گذشته و نگاه به سیری که هفت تپه ای ها طی کردند، جدالهایی که داشتند و مقاطع مختلف مبارزه آنها، در دفاع از حق تشکل، علیه اخراج و بیکارسازی، برای حقوق معوقه و... برای هر فعال کارگری و هر کارگر کمونیستی آموزنده است. سندیکای کارگران هفت تپه در اطلاعیه خود به دستاوردهای شیرین و در عین حال به تجارب تلخ این تاریخ اشاره کرده اند. امروز وقتی به این تاریخ نگاه کنید، علیرغم هر کاستیها و کمبودهایی که داشته است، اما نمیتوان منکر شد که کارگران هفت تپه دستاوردهای مهمی کسب کردند و امروز به مراتب به نسبت سه سال قبل در موقعیت بهتری قرار دارند. این دوره و این تاریخ با همه شیرینیهای آن و با همه تلخیهایی که هفت تپه ای ها تحمل کردند، گوشه درخشانی از مبارزه طبقه کارگر ایران است. مهمترین مسئله در این پروسه حفظ اتحاد این بخش از طبقه کارگر زیر سقف سندیکای هفت تپه است. تشکیل سندیکا و حفظ تا امروز آن، ابزاری در دست کارگران بود که به آنها امکان داد سدی

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اطلاعیه پایانی پلنوم بیست و دوم کمیته مرکزی

پلنوم بیست و دوم کمیته مرکزی حزب حکمتیست در روزهای شنبه و یکشنبه ۲۱ و ۲۲ آبان ماه ۱۳۹۰ برابر با ۱۳ نوامبر ۲۰۱۱ با شرکت اکثریت اعضا و علی البدلهای کمیته مرکزی و دو

هیئت از حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان، برگزار شد. پلنوم با سخنان کوتاه دبیر کمیته مرکزی و سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم آغاز شد.

سپس، پلنوم بعد از تصویب آئین نامه خود، رسماً شروع به کار کرد و دستورات زیر را به تصویب رساند. ۱- گزارش ۲- اوضاع سیاسی ایران و بررسی دو قطعنامه پیشنهادی در این مورد

مصطفی رشیدی

تین ایجرهای جنگ جو و بشارت رهایی ایران

از روز پنجم همین ماه دهها میلیون نوجوان همزمان در سراسر دنیا با شیفتگی دست اندرکار یک پروژه مشترک به هدف آزادی مردم ایران گشته اند. پروژه شامل یک حمله نظامی است. این حمله، بزرگترین عملیات از نوع خود است که بنا به نقشه تعداد پنجاه هزار سرباز زنده امریکایی با همراهی تجهیزات سوپر مدرن خود شهر تهران و

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه همبستگی طبقاتی ما کارگران

سهمین سال تاسیس سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه: سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که در آبانماه هزار و سیصد و هشتاد و هفت به عنوان تشکل مستقل کارگری و با همت کارگران شریف نیشکر هفت تپه تاسیس شده است اکنون در حالی وارد سهمین سال فعالیت کارگری خود شده است که دستاوردهای تلخ و شیرینی از خود بجا گذاشته است. شیرین از این لحاظ که تاسیس این سندیکا هم دستاوردهای مثبتی برای کارگران نیشکر هفت تپه داشته و نقش مهمی در بهبود زندگانی کارگران این موسسه ایفا نموده است و هم باعث گردیده است که ما کارگران نیشکر هفت تپه از عزت و ارج انسانی به مراتب بیشتری برخوردار گردیم. دستاوردهایی که قبلاً نیز در موارد مختلف بدان پرداخته ایم. اما تلخ از این لحاظ که ۶ نفر از ما، که همگی عضو هیئت مدیره سندیکا هم بودیم (فریدون نیکوفرد، علی نجاتی، جلیل احمدی، قربان علیپور، محمد حیدری مهر و رضا رخشان) تحت شدیدترین فشارها از طرف نهادهای امنیتی و قضایی قرار

مناطق وسیعی از ایران را از نیروهای جمهوری اسلامی و از جمله تسلیحات اتمی پاک میکنند...

خبر ذکر شده کاملاً حقیقت دارد ... اما لازم است در فضای جنگی امروز و برای اجتناب از سو تفاهم خیل بزرگ جنگ طلبان دنیای سیاسی ایران همین جا ذکر کنم که جنگ مد نظر، یک جنگ مجازی، یک بازی کامپیوتری است. اشتباه بزرگی میکنید اگر در مقابل این بازی شانه بی اعتنایی بالا بیندازید. زمان عرضه این بازی در بازار، سناریو، پرسوناژها، و جغرافیای جبهه و بسیاری جزئیات دیگر آنقدر مستقیم به ایران و به فضای جنگی جاری نزدیک است که بسیاری بازی مد نظر را یک پروپاگاندا

گرفتیم. مصائبی از تحمل زندان گرفته تا اخراج از کار. اما برآستی چرا؟ ما چه گناهی مرتکب شده ایم؟ جز اینکه حق خود را می خواستیم؟

یکی از اتهاماتی که بر ما وارد می کردند و ما را مجرم می خوانند مسئله تاسیس سندیکا بود. آنهم در کشوری که صدها سندیکای کارفرمایی وجود دارد که نه تنها با مخالفت نهادهای دولتی و قضائی روبرو نیستند، بلکه در میان این این نهادها برای کمک به این سندیکاهای و جلب نظر مثبت آنان مسابقه برگزار است. اما زمانیکه به سندیکای کارگران می رسند تشکیل آن را جرم محسوب می کنند. آیا منظور از اخراج این معنی را نمی دهد که ما باید بمیریم؟ بمیریم و یا در مقابل اجحاف به زانو در بیائیم؟ خانواده های ما، همسران و کودکان ما چه گناهی کرده اند که با حکم اخراج ما آنها نیز به محرومیت از حداقل نیازهای زندگی محکوم می شوند؟ این همه بیعدالتی، از زندان گرفته تا اخراج و تا جریمه نقدی همه و همه نشان ازین واقعیت می دهد که گویا ما گناهی کرده ایم که پس از سه

کارگران جهان متحد شوید!

- ۳- آرایش رهبری
 - ۴- پلاتفرم دوره آتی رهبری
 - ۵- کنگره پنجم حزب
 - ۶- قرار و قطعنامه ها
 - ۷- تحولات بورژوازی کرد و سیاست ما
 - ۸- انتخابات
- در دستور اول، گزارش کتبی عملکرد هیئت دبیران و گزارش کتبی فعالیتهای کمیته های اصلی (کمیته سازمانده، کمیته کردستان، کمیته خارج کشور، کمیته تبلیغات و آموزش) از قبل در اختیار پلنوم قرار گرفته بود. بعلاوه در این بخش رحمان حسین زاده، دبیر صفحه ۴



فکر شده و ساخته و پرداخته CIA میدانند. میزان دخالت دستگاههای امنیتی امریکایی هر چقدر که بوده باشد در دنیای واقعی این بازی را باید پروپاگاندی بسیار کارساز بحساب آورد. جماعت خواهان جنگ در فضای سیاسی ایران هزار بار حق دارند که قند در دلشان آب شده است.

بازی کامپیوتری "جبهه جنگ ۳" (Battlefield 3) در هفته اول صفحه ۳



سال، هنوز هم نابخشودنیست و گذشت زمان موجب آن نشده است که اندکی از این غیظی که بر علیه ماست کاسته شود و در نتیجه، مقداری از دشواریهای ما کم شود. چرا که ما بعنوان یک کارگر حق داریم که از ابتدایی ترین حقوق اجتماعی یعنی حق کارکردن برخوردار شویم. پس از سپری کردن دوره ۶ ماهه زندان ما شش نفر و پس از گذشت بیش از دو سال از اخراج ما، متأسفانه آقای علی نجاتی که قبلاً به اتهام تبلیغ علیه نظام محکوم شده بود و دوران حبس خود را گذرانیده است در زمانی که در حبس پرونده قبلی خود به سر می برد، پرونده دیگری به همین اتهام دوباره مطرح شد و با اینکه در دادگاه بدوی تبرئه شده بود صفحه ۲

قرارهای مصوبه پلنوم ۲۲

صفحه ۴

قدردانی از رفیق فاتح شیخ

صفحه ۴

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

سندیکای هفت تپه بعد از

دفاعی در مقابل تعرض هر روز سرمایه داران و دولتشان به معیشت آنها، به شخصیت و کرامت آنها، ببینند. حفظ تشکل کارگران به آنها امکان داد، که کارگران متحد بمانند، جنگ خود را متحد پیش برند، به کمک هم و دست در دست هم تلاشی مشترک را برای دفاع از حقوق خود پیش برند، و نگذارند نیروی آنها را منقرض و اتحاد آنها را به عنوان مهمترین ابزار مقابله با دشمنان طبقاتیشان از آنان بگیرند.

اینکه اخراج کارگران حتی به صورت موقت و در توازن قوای کنونی متوقف شده است، حقوق کارگران سر وقت پرداخت میشود و عملاً سندیکای هفت تپه دوفاکتو رسمیت دارد، دستاوردی مهم برای مبارزات امروز کارگران هفت تپه و برای کل طبقه کارگر است. باید توجه داشت اخراج و بیکارسازی، پرداخت نکردن دستمزد سر وقت و قرار داد موقت که امروز بیش از ۸۰ درصد کارگران را دست و پا بسته به بردگی کامل کشانده است، از مطالبات مهم این دوره و توازن کنونی مبارزه طبقه کارگر با بورژوازی ایران است. همراه این خواست تشکل کارگری و آزادی تشکل مستقل کارگری به عنوان یکی از مطالبات اساسی طبقه کارگر ایران که هفت تپه ای ها با اتحاد خود آن را تحمیل کرده اند، جزو

دستاوردهای مهم این بخش از طبقه ما است.

نگاهی به تجربه کارگران هفت تپه، به تلاشهای آنها و به جدال جدی و هر روزه و حفظ اتحاد کامل خود در این جدال، درجه بالائی از هوشیاری، دلسوزی و درک بالای طبقاتی رهبران و فعالین این مرکز را میرساند که قابل ستایش است. اتکای کارگران هفت تپه و رهبران و فعالین این مرکز به مجامع عمومی کارگران، به دخالت مستقیم کل اعضای سندیکا، دخیل دادن آنها در تصمیمات و در کوران جنگ و جدال طبقاتی خود، درجه هوشیاری این بخش از طبقه کارگر ایران را بالا برد و این تجربه دستاورد بزرگ و مهمی برای همه کارگران است.

دوره سه ساله گذشته ما شاهد موجی وسیع از تبلیغات فریبنده جناحهای بورژوازی ایران برای جلب طبقه کارگر به زیر پرچم خود بودیم. فضای بعد از انتخابات و عروج جنبش سبز، پیوستن کل اپوزیسیون راست و چپ جمهوری اسلامی به بورژوازی لیبرال ایران و فضای مملو از دروغ و فریبی که به نام انقلاب، جنبش توده ای، جنبش جاری، ایجاد فضای باز سیاسی و کاستن از مشقات مردم ساختند و طیف وسیعی را فریب دادند، اما در میان هفت تپه ای ها و کارگران شرکت واحد به عنوان دو تشکل واقعی کارگری خریداری نیافت. ایستادن در مقابل این

موج و دست زد زدن به سینه یک جنبش عمیقاً ضد کارگری، نقطه درخشانی نه تنها در مبارزه کارگران هفت تپه بلکه در مبارزه کل طبقه کارگر ایران است. سندیکای هفت تپه همراه کارگران شرکت واحد به این جنبش نه گفتند و سدی دفاعی در مقابل یک تعرض طبقاتی عمیقاً ارتجاعی بورژوازی لیبرال و همزمان در مقابل جناح سیاه بورژوازی حاکم که با شعار رفاه اقتصادی و مبارزه با فساد اقتصادی به میدان آمده بود، بستند. این تصمیم کارگری و درست که عملاً باعث شد منفعت طبقاتی طبقه کارگر در دل یک زمین لرزه سیاسی عمیق از جانب این دو تشکل نمایندگی شود تأثیر بسزای در سرنوشت کل طبقه کارگر داشت و سدی در مقابل این تعرض راست بست که نقطه درخشان کار این دوره بود. به همین دلیل امروز هم هفت تپه ای ها و رهبران و فعالین آنها نه تنها مورد تعرض هر روزه دولت جمهوری اسلامی و ارگانههای سرکوبگر آند، بلکه از جانب جناح چپ جنبش سبز نیز نفرین شده اند. به همین دلیل ما شاهد تعرضی راست به آنها از جانب چپ لیبرال ایران بودیم و البته هفت تپه ای ها جواب آنها را هم دادند.

کارگران و فعالین هفت تپه همچنانکه در اطلاعیه خود نیز اشاره کرده اند، در این دوره هزینه سنگینی پرداخت

کردند. همه نمایندگان آنها دستگیر و زندانی شدند، همه از کار اخراج شدند و فشار اقتصادی و گرو گرفتن نان شب خود و فرزندانشان را همراه زندان و تهدید و شکنجه و بی حرمتی، به عنوان ابزاری برای تمکین آنها و به سکوت کشاندن آنها بکار بردند. بی شک این تعرض در سیر حرکت و پیشروی و دستاوردهای آنها موثر بوده است، اما همه اینها نتوانست اراده آنها و اتحاد کارگران هفت تپه را از بین ببرد و این جای افتخار است.

وجود تشکلهای مستقل کارگری چون هفت تپه، به طبقه کارگر ایران امکانی داد که درجه ای هر چند کوچک از اتحاد این طبقه و ارتباط فعالین بخشهای مختلف و به هم پیوستگی آنها از ایران خودرو تا نفت و پتروشیمیها تأمین شود. همزمان امکان بیشتری را برای یک همبستگی جهانی در دفاع از مطالبات طبقه کارگر ایران را تأمین کرد.

امروز در شرایطی که امر تشکل یابی کارگری در میان طیف وسیعی از فعالین و رهبران کارگری در مراکز مهم صنعتی مورد بحث است، در شرایطی که اعتراض به کار موقت و به شرکتهای پیمانی و بیکاری و اخراج و سطح معیشت در جریان است، تجربه کارگران هفت تپه و مرور آن و اتکا به آن برای طبقه کارگر ایران آموزنده است. زنده باد کارگران هفت تپه.

سندیکای کارگران نیشکر ...

متأسفانه در دادگاه تجدید نظر به تحمل یکسال حبس دیگر محکوم شده است. این درحالیست که رفیق ما از ناراحتی قلبی شدیدی رنج می برد که همین چندی پیش تحت عمل جراحی قرار گرفته بود و با اینکه طبق نظر پزشک باید حداقل ماهی یکبار معاینه مجدد شود و همچنین رژیم غذایی خاصی را باید رعایت نماید، تحمل این حبس سنگین میتواند به سلامتی ایشان لطمه شدیدی وارد نماید.

ازطرفی دیگر، هیچ گونه چشم انداز روشنی برای بازگشت بکار ما وجود ندارد. امری که متأسفانه حتی از لحاظ حقوقی به بن بست رسیده است. حکم اخراج ۵ تن از ما توسط دیوان عدالت اداری مورد تأیید قرار گرفته است که

این خود نشان از انتهای دعوی حقوقیست. اما حتی در مورد آقای رضا رخشان که حکم اخراج ایشان توسط دیوان عدالت اداری نقض گردیده بود و در حالی که پرونده را برای بررسی مجدد به اداره کار دزفول فرستادند، در جلسه رسیدگی به ایشان عنوان کردند که اگر شورای اسلامی کار شرکت نیشکر هفت تپه با بازگشت بکار ایشان مخالفتی نداشته باشد حکم بازگشت بکار او را صادر خواهند کرد. اما شورای اسلامی کار در نامه ای به هیئت حل اختلاف اداره کار دزفول مخالفت صریح خود را با بازگشت بکار نامبرده اعلام کردند و در نهایت هیئت حل اختلاف دزفول بازهم رضا رخشان را اخراج نمود. این در حالیست که اعضای شورای اسلامی کار (بگفته خودشان) قرار بود که نماینده کارگر

باشند و از منافع کارگران دفاع نمایند. با این همه لازم به یادآوریست که جهت حل مشکل خود بارها به اداره کار شهرستان، استان، استانداری، دادستانی، فرمانداری شهرستان، نهاد ریاست جمهوری و وزارت کار مراجعه کردیم مشکل اعضاء هیئت مدیره اما هنوز بر سر جای خود است. درخاتمه، ما ضمن پایداری و دفاع از کلیه مطالبات و منافع کارگرمیان و با اینکه روزگار بسیار سختی را چه از لحاظ روحی (که ناشی از اخراج شدن ماست. چرا که کار ما بخش مهمی از زندگیمان بود) و چه از جنبه معیشتی می گذرانیم (بطوریکه تأمین نیازهای زندگی از خوراک و پوشاک گرفته تا هزینه کیف و کفش و مدرسه بچه هایمان بسیار دشوار شده است و در تنگنا بسر میبریم) با اینهمه ضمن محکوم کردن

حکم یکسال حبس آقای علی نجاتی (حبسی که از امروز آغاز شد) خواستار توقف اجرای حکم و مختومه شدن پرونده ایشان هستیم. ما همچنین خواهان حمایت کلیه کارگران شریفی هستیم که به منافع طبقاتی سایر کارگران می اندیشند. چرا که همبستگی طبقاتی ما کارگران میتواند تحمل این همه مشقت و دشواری را آسان نماید.

سندیکای ما گرچه با دشواریهای بیشتر، اما با وحدتی نیرومندتر وارد سهمین سال حیات خود می شود. اطمینان داریم که حق ما کارگران برای همیشه پایمال نمی ماند.

با آرزوی اتحاد و پیروزی کارگران

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

۱۹ آبانماه ۱۳۹۰

هرجا اتماد کارگران و آگاهی آنها نسبت به اینکه اعضاء یک طبقه جهانی اند تقویت میشود. هرجا کمونیسم بعنوان دورنمای انقلاب کارگری در میان کارگران رسوخ میکند و با هر رفیق کارگری که به کمونیسم و به مافل و سلول های کمونیستی کارگران نزدیک میشود، یک گام به انقلاب کمونیستی نزدیک تر شده ایم. سلول ها و مافل کمونیستی کارگری که امروز تشکیل میشوند، فردا کانون های رهبری انقلاب کارگری و پایه های قدرت حکومت کارگران را تشکیل خواهند داد

منصور حکمت

مرگ بر جمهوری اسلامی!

تین ایجرهای جنگ جو و ...

عرضه به بازار بیش از صد میلیون نوجوان و مشتاقان بازیهای کامپیوتری را به خود جلب کرد. این بازی جزو بازیهای Action و با محتوای خشن دسته بندی شده است. در این گروه بازیها در یک سناریوی مجازی جنگی، بازیگر بطور فردی و یا مشترکا با چند بازیگر دیگر، با مجموعه ای از انواع سلاحها به جان در و دیوار و دشمنان میافتند. "جبهه جنگ ۳" ماجرای

ماموریتهای Sergeant Blackburn، گروهان زنده و میهن پرست امریکایی است که در تعقیب تروریستهای وابسته به حکومت ایران و یک بمب اتمی حماسه ها خلق میکند. بازیگران این بازی در نقش گروهان بلک و چهار همراه او در شش باند از جمله بغداد، تهران، سلیمانیه و پاریس مهارت و استعداد خود را به آزمایش میگذارند. از نظر تکنیکی و هنر تصویری، بازی "جبهه جنگ ۳" بی برو برگرد یک شاهکار در نوع خود است. تصاویر پرسوناژها و محیط پیرامونی یک گام بزرگ از نقاشی های تصنعی به سمت موجودات واقعی برداشته است. ترکیب این تصاویر و موزیک و افکتهای صوتی بسیار عالی، سرعت بازیگر را در حلقه گواشی هدفون و صفحه مانیتور به اسارت خود در میآورد. بعنوان یک اندرز دوستانه، برای جلوگیری از "تلف شدن" پنج شش ساعت ناخواسته از وقت خود حتما وسوسه آزمایش این بازی سحرآمیز را از سر خود بدر کنید! نوجوانی که از سر صرف یک بازی، ماهها در اشتیاق خرید آن بسر برده است، بنظر نمیرسد سرخورده مانده باشد. اما برای ما "جبهه جنگ ۳" بیشتر از یک بازی صرف است. واکنشهای گسترده در سطوح مختلف گواه زوایای مهم جالب توجه این بازی هستند.

بازیهای کامپیوتری بیشتر از سی چهل سال قدمت ندارند. این بازیها از اشکال ابتدایی و ساده هندسی شروع شد و پا به پای رشد سریع تکنیک به سمت بازیهای پیچیده تر رفت. از اواسط دهه نود پرسوناژهای انسانی به جای اژدها و موجودات خیالی و فضایی قرار گرفتند، بعلاوه سناریو و شرح داستان بازی به زندگی واقعی انسانها نزدیک گردید و پا به پای این تغییرات جنگ و کشتار و خشونت که کم کم برای ملاط اصلی این بازیها جا افتاده بود، همگی به بازیهای جدید منتقل گردید. در همین چند سال اخیر صدها بازی با اقتباس از جنگهای صلیبی تا جنگ جهانی، از دشمنیهای میان فرانسه و انگلیس، از جنگ سرد تا ماجرای چرنوبیلو از جنگ لنینگراد تا جنگ ویتنام بازار را

اشباع کرده است. صد البته جنگ بر "علیه تروریسم" را نباید از قلم انداخت. تعداد بازیهای کامپیوتری با ارجاع به جنگ در افغانستان و عراق، و ارجاع به انواع گروههای من درآوردی و فرضی در خاورمیانه و شمال افریقا از شمار خارج است. و نباید از قلم انداخت، و ابدا مایه تعجب نیست که کمونیستها و در اشکال مختلف معمولترین بیدک کش فیگور دشمن در این بازیها تصویر شده اند.

در دنیای بازیهای کامپیوتری نیاز به وفاداری به حقیقت اساسا غایب است. وجه مشترک بازیها، جنگ قهرمانانی است که جملگی ریشه در غرب و اساسا امریکا دارند که توسط آنها گروههای خبیث زیر ضرب و با مشت و لگد و با انواع اسلحه لت و پار میشوند. داستان و سناریو، صحنه ها و جزئیات این بازیها هر چه بیشتر به رویدادهای واقعی جامعه انسانی نزدیک میشوند، به همان اندازه مشتکی کلیشه تصویری معیوب و مسموم را بخورد مشتریان خود میدهند. در همین چهارچوب است که در بازی آزادی لنینگراد، این قهرمان فرضی امریکایی است که در مقابل ارتش آلمان نقش اول را ایفا میکند! یا در مورد ویتنام، نوجوان بازیگر بازی مربوطه در نقش سربازان "نجات بخش" امریکایی بر علیه "تبهکاران" محلی ویتنامی میجنگد! صحنه های این بازی سراسر بصورت یک انتقام خونین از آزادیخواهان ویتنام تنظیم شده است و بس.

در همین مسیر و بطور طبیعی، خشونت بخش اصلی این بازیها را شکل داده است. دشمن در این بازیها مقوله ایست که از هیچگونه ارزشی برخوردار نیست. با تانک و هواپیما و کارد و شمشیر میتوان بجان آنها افتاد. قهرمان مربوطه در استفاده از بمبها و

تانکها و سلاحهای خود در هیچ محظوریتی قرار ندارد. تا زمانیکه در ریل و مسیر خود است و از زمان تعیین شده خود بیرون نرود، مجاز است، و بطریق اولی از وی انتظار می رود که همه چیز را در مقابل خود نابود سازد (Elimination). خانه ها و اتومبیلها، شهرها و روستاها در مسیر و توسط قهرمان سرمست و انتقام جو به آتش کشیده میشوند ... او فقط امتیاز جمع میکند و بس! این مشخصه مشترک و تکراری و آشنا در تولیدات کمپانیهای مختلف است که یکی بعد از دیگری در سالهای اخیر ابعاد مخرب بیشتری یافته اند. اما "جبهه جنگ ۳" (Battlefield 3) بصورت یک استثنا قدم به پیش گذاشته است. قهرمان ما گروهان بلک یک کماندوی

امریکایی است، اما انساندوست است، تابع مقرراتی است و بازیگر کامپیوتری را به یک جنگ "پاک - clean" علیه دشمنان تروریست اتمی خود در ایران وادار میسازد!

در اولین نگاه شال سنتی کردی - فلسطینی (جامانه) بدور گردن گروهان بلک نظر را توی چشم میزند، ولی فرق مهتر وی با پرسوناژهای مشابه خویش در اینستکه از طرف ایشان افراد غیر نظامی مورد هدف قرار نمیگیرند. در ساختار "جبهه جنگ ۳" برنامه ریزی شده است که بطور متناوب در گرماگرم نبردها سر و کله تعدادی اشخاص غیر نظامی پیدا میشود. در مواجه با این افراد، گروهان بلک و همراهانش آنها را ندیده میگیرند و بکار خود ادامه میدهند. سلاحهای بازی کامپیوتری، از گلوله تا بمبها را نمیتوان بسمت پرسوناژهای غیر نظامی نشانه گرفت. این مساله واکنشهای گسترده ای را بدنبال داشته است. بازیگران و منتقدان حرفه ای، افزوده تازه را یک نقطه ضعف، یک وصله کاملا ناجور در بازی ارزیابی کرده اند. مگر قرار نبود این بازی هر چه بیشتر به دنیای واقعی شباهت پیدا کند!؟

در فضای اجتماعی و سیاسی واکنشها بسیار منفی تر بوده و بسیاری بایکوت کامل بازی را اعلام نموده اند. بزع این دسته از منتقدان "جبهه جنگ ۳" با این تغییرات نه فقط در تزریق دوز "انسانی" به بازی تاموفق مانده، بلکه الان بطرز زمخت و زننده ای بصورت یک ماشین پرویگاند جنگی امریکا ظاهر شده است. زمانیکه در جنگ واقعی انکار کشتار مردم بیگناه توسط نیروهای امریکایی غیر ممکن است، زمانیکه یقه امریکا بعنوان جنایتکار جنگی گیر است، چرا باید بازی کامپیوتری این وظیفه میمون را بعهده

بگیرد؟ آیا بهتر نبود Sergeant Blackburn را بحال خود گذاشت؟

سوالات و قضاوتها و مجادلات در مورد "جبهه جنگ ۳" بگرمی ادامه دارد و فضای جنگی بر علیه جمهوری اسلامی، و کسی چه میداند حتی وقوع احتمالی جنگ، همگی بازار این مجادلات را داغتر هم خواهد ساخت. برای رها کردن Blackburn بیچاره و برای راحتی وجدان تین ایجرهای عاشق بازیهای کامپیوتری هم که شده، بهترین راه اینستکه تولید کنندگان مربوطه بیابند چند نفر از اپوزسیون رژیم را به پرسوناژهای بازی خود اضافه کنند. در این جریانات اپوزسیون ایرانی تعداد زیادی را میتوانند بیابند که با زبان شیرین فارسی و با شور و هیجان، از سر مخالفت با تروریسم، برای استقرار دموکراسی جلو افتاده و برای حمله نظامی امریکا لحظه شماری میکنند. اینها جنگ را از نزدیک لمس کرده اند. حمله به عراق و لیبی را میشناسند. میدانند انکار کشتار مردم بیگناه بیفایده است. اینها حکیمانه سر تکان میدهند که مردم ایران باید بهر حال تلفاتی را متحمل گردند... استدلال میکنند آزادی مفت به چنگ نمیآید... نوشته اند که مگر نه اینستکه همین مردم هزار هزار همین امروز هم در حوادث ترافیکی تلف میشوند!؟

انحطاط همین امروز این جماعت از دنیای سیاست ایران تنها گوشه ای از سیمای واقعی هیولاهایی است که از میان آتش و خون جنگ پدیدار خواهند شد. مباحثه بازی Battlefield 3 فرصتی برای افشای جنگ و جنگ طلبی در ایران است.

تلویزیون پرتو

تلویزیون پرتو روزهای جمعه ساعت ۶ تا ۷ بعد از ظهر به وقت تهران از کانال KBC روی ماهواره هات برد پخش میشود.

فرکانس پخش

HOTBIRD
DL freq.: 11604 Ghz
FEC: 5/6
Pol.: H
SR: 27500
HB: 8
TP: 155

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

اطلاعیه پایانی پلنوم.....

کمیته مرکزی حزب، گزارش مختصری از کل اقدامات و فعالیتهای حزب را تقدیم پلنوم کرد. بدنبال آن اعضای هیئت دبیران حزب نکات تکمیلی در مورد کارکرد حزب را به اطلاع کمیته مرکزی رساندند. دبیر کمیته مرکزی و اعضای هیئت دبیران، ضمن نگاه فشرده به کارکرد و اقدامات دوره گذشته حزب، به مهمترین مسائل سیاسی و عملی و پروژه هایی که حزب با آن درگیر بوده پرداختند.

سپس در مبحث گزارش، رئیس دفتر سیاسی حزب نیز گزارشی از کارکرد دفتر سیاسی حزب را به پلنوم ارائه کرد. فاتح شیخ در این بخش ضمن اشاره به کارکرد این دوره حزب به نقش دفتر سیاسی در فعل و انفعالات حزب پرداخت. اعضای پلنوم در این بحث، در مورد جنبه های مختلف فعالیت حزب و کارکرد هیئت دبیران و دفتر سیاسی در فاصله دو پلنوم، وضعیت حزب و مهمترین مولفه ها و مسائلی که حزب حکمتیست و بویژه رهبری حزب با آن درگیر بوده، بحث و اظهار نظر کردند. شرکت کنندگان در پلنوم ضمن تاکید بر اینکه در قبال تحولات پیچیده پیش رو، حزب حکمتیست کماکان مواضع و سیاست و پراتیک متمایز کمونیستی را نمایندگی کرده است، بر خلاء و نارساییهای جدی در کار حزب انگشت گذاشتند.

در مبحث بعدی به اوضاع سیاسی ایران پرداخته شد. این مبحث، حول دو قطعنامه پیشنهاد شده، به صورت پانل برگزار شد. معرفی قطعنامه ها، ابتدا مظفر محمدی و آذر مدرسی معرف یک قطعنامه و رحمان حسین زاده و فاتح شیخ بعنوان معرف قطعنامه دیگر، در پانل شرکت کردند. پانلیست ها بر اساس قطعنامه های پیشنهادی خود، مهمترین مولفه های اوضاع سیاسی ایران را مورد بررسی قرار دادند و تفاوت های سیاسی و عملی قطعنامه ها و نظرگاه های متفاوت خود را بیان کردند. سپس اعضای پلنوم در جدل و بحثی پرحرارت، در این مبحث شرکت و اظهار نظر کردند. در پایان این مبحث، تعدادی از شرکت کنندگان در پلنوم، به منظور تحقیق بحث ها و با توجه به تمایل عمومی و فضای حاکم بر پلنوم، پیشنهاد کردند که قطعنامه ها به رای گذاشته نشود. اکثریت پلنوم با این پیشنهاد موافقت کرد و دو قطعنامه پیشنهادی برای رای گیری از دستور خارج شد.

در مبحث آرایش رهبری، نیز، دو طرح مورد بحث قرار گرفت. در این مبحث آذر مدرسی و رحمان حسین زاده طرح های پیشنهادی خود، یکی

طرح آرایش موجود و دیگری طرح تغییر آرایش رهبری حزب، را معرفی کردند. پس از بحثهایی وسیع حول هر دو طرح، پلنوم هر دو طرح را از دستور خارج کرد. به پیشنهاد تعدادی از شرکت کنندگان در پلنوم و هیئت های هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان، طرح دیگری به نام "طرح سازماندهی رهبری حزب"، که پیشتر توسط منصور حکمت تدوین شده بود، بعنوان مبنای آرایش رهبری آتی حزب به پلنوم پیشنهاد شد و به تصویب اکثریت پلنوم رسید. این طرح، که با توجه به موقعیت امروز حزب حکمتیست تحقیق شده است، بعنوان یکی از مصوبات پلنوم بیست و دوم حزب حکمتیست، به همراه سایر مصوبات پلنوم به ضمیمه این اطلاعیه، منتشر میشود.

با توجه به تصویب طرح جدید رهبری حزب، بررسی پلتفرمهای پیشنهادی برای رهبری حزب از دستور خارج شد.

در مبحث قرار و قطعنامه ها، پلنوم بدلیل کمبود وقت تنها دو قرار را مورد بررسی قرار داد. قرار در مورد "بازگرداندن اختیارات سازماندهی حزبی در شهرهای کردستان به کمیته کردستان" که با اکثریت آرا به تصویب رسید و قرار دوم در مورد "تسهیل شرایط قرار گرفتن کادرهای جوان در موقعیت های کلیدی حزب"، که مورد بررسی پلنوم قرار گرفت و با اتفاق آراء به تصویب رسید. این دو قرار نیز بعنوان مصوبات پلنوم به ضمیمه اطلاعیه انتشار می یابد.

پلنوم همچنین در مورد کنگره ۵ و جوانب مختلف آن، اظهار نظر کرد. پلنوم سایر قرارها و قطعنامه ها و دستورات خود را، به دلیل تنگی وقت، از دستور بررسی و تصمیم گیری خارج کرد. در بخش پایانی پلنوم، انتخاب دبیر کمیته مرکزی، طبق طرح جدید مصوب پلنوم، برگزار شد. برای پست دبیری کمیته مرکزی، ثریا شهابی و سلام زیجی، کاندید شدند و ثریا شهابی با اکثریت آراء به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب شد.

پلنوم سپس وارد انتخابات دفتر سیاسی شد و تعداد سیزده نفر از کاندیداها را بعنوان اعضا دفتر سیاسی انتخاب کرد. اعضا دفتر سیاسی منتخب پلنوم عبارتند از:

آذر مدرسی، اسد گلچینی، جمال کمانگر، حسین مرادبیگی، رحمان حسین زاده، خالد حاج محمدی، رحمت فاتحی، سلام زیجی، صالح سرداری، عبدالله دارابی، فاتح شیخ، محمد فاتحی، مظفر محمدی.

پلنوم بیست و دوم کمیته مرکزی با

قدردانی از رفیق فاتح شیخ

در پلنوم بیست و دوم حزب حکمتیست رفیق فاتح شیخ خود را برای به عهده گرفتن پست ریاست دفتر سیاسی کاندید نکرد. فاتح شیخ از بدو تاسیس حزب حکمتیست تا مقطع پلنوم بیست و دوم و به مدت ۸ سال رئیس دفتر سیاسی حزب بود و در این مدت ۸ ساله با پیگیری و تلاش فراوان مسئولیت دفتر سیاسی را به عهده داشت و آن را پیش برد و در موقعیت یک پست کلیدی در راس حزب در پیشرویهای این حزب سهم مهمی ادا کرده است. به این ترتیب از فعالیتها و تلاشهای سیاسی و عملی مستمر رفیق فاتح شیخ عمیقترین قدردانی را داریم. بسیار خرسندیم که کماکان در فونکسیون دفتر سیاسی رفیق فاتح شیخ را با سرمایه بزرگی از توان و تجربه سیاسی در کنار خود داریم.

رئیس دفتر سیاسی حزب حکمتیست
رحمان حسین زاده
هفدهم نوامبر ۲۰۱۱

اختتامیه کوتاه رفقا رحمان حسین زاده و ثریا شهابی به پایان رسید.

پس از پایان پلنوم، نشست کوتاه دفتر سیاسی، با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی و دبیر کمیته مرکزی و هیئت های هر دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان برگزار شد. در این نشست کوتاه، دفتر سیاسی انتخاب رئیس دفتر سیاسی را در دستور گذاشت. آذر مدرسی و رحمان حسین زاده کاندید پست رئیس دفتر سیاسی شدند و رحمان حسین زاده با اکثریت آرا به عنوان رئیس دفتر سیاسی انتخاب شد.

دفتر سیاسی در دومین نشست خود، علاوه بر رئیس دفتر سیاسی، تعداد پنج نفر دیگر را بعنوان اعضا هیئت دائم دفتر سیاسی با اکثریت آرا انتخاب کرد. اعضا هیئت دائم دفتر سیاسی عبارتند از: جمال کمانگر، حسین مرادبیگی، رحمان حسین زاده، رحمت فاتحی، سلام زیجی، فاتح شیخ.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
۱۸ نوامبر ۲۰۱۱ - ۲۴ آبان ۱۳۹۰

قرارهای مصوبه پلنوم ۲۲

قرار مصوبه پلنوم ۲۲ حزب حکمتیست

در مورد تسهیل شرایط قرار گرفتن کادرهای جوان در موقعیت های کلیدی حزب

حزب حکمتیست میراث سنتی ۳۰ ساله در چپ و کمونیسم ایران است که سرمایه عظیمی از رهبران، کادرها و شخصیت های سیاسی، اجتماعی و حزبی را در خود جای داده است. این حزب، با این سرمایه، با خط متمایز و سیاست های روشن و کمونیستی اش، نقطه امید کمونیسم، چپ و طبقه کارگر در ایران است.

این حزب بعلاوه از این موقعیت ممتاز نیز برخوردار است، که طیفی از کمونیست های جوان، رهبران مبارزات اجتماعی، و شخصیت های چپ و کمونیست در ایران را همراه خود دارد. حضور این طیف جوان در موقعیت رهبری و تصمیم گیری در حزب، به ضعف سنتی غیبت کادرهای کمونیست و مارکسیست جوان در سوخت و ساز رهبری، خاتمه می دهد.

این شانس و فرصت امروز برای حزب حکمتیست وجود دارد که برموانع سنتی در مقابل قرار گرفتن کادرهای جوان در موقعیت تصمیم گیری، فائق آید. پلنوم بیست و دوم، رهبری آتی حزب را موظف میکند که موانع پیش پای کادرهای جوان حزب برای ایفای نقش در موقعیت های کلیدی سازمان حزب را رفع، و امر دخالت فعالانه این رفقا در سوخت و ساز رهبری حزب را تسهیل کند.

(قرار با اتفاق آراء به تصویب رسید)

قرار مصوبه پلنوم ۲۲ حزب حکمتیست

بازگرداندن اختیارات سازماندهی حزبی به کمیته کردستان

پیشنهاد دهندگان این قرار، از پلنوم بیست و دوم میخواهد که وظایف و اختیارات سازماندهی حزبی در شهرهای کردستان، به کمیته کردستان بازگردانده شود. چنین تصمیمی با موازین اساسنامه ای حقوق و اختیارات کمیته های اصلی انطباق دارد.

(قرار با اکثریت آراء به تصویب رسید)

نشریه حزب کمونیست کارگری حکمتیست

سردبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیست را بخوانید

کمونیست را بدست کارگران برسانید

کمونیست را تکثیر و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی
کمونیست

زنده باد سوسیالیسم